

## جوانان، آزادی و رفاه می خواهند!

موج جدیدی از اعتراضات و حرکت های گسترده نوجوانان و جوانان، در هفته های اخیر، به دنبال مسابقات تیم ملی فوتبال ایران از سری مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۱، به یک جنبش سراسری خودجوش و جدی در تهران و اکثر شهرها تبدیل شد. ابعاد این جنبش آنچنان گسترده است که خواب را از چشم رهبران رژیم جمهوری اسلامی ربوده است. تحلیل همه جانبه جنبش جوانان ایران، به شناخت و آگاهی بیش تری نیاز دارد. امروز هر چند که این اعتراضات به دنبال مسابقات روی می دهد اما ریشه آن را باید در نارضایتی عمومی اجتماعی و اقتصادی و عملکرد و سیاست های خفقان خونین رژیم جمهوری اسلامی جست. این جنبش از پتانسیل و انرژی فراوانی برخوردار است که از عمیق شدن شکاف های طبقاتی ناشی می گردد.

خمینی رهبر رژیم جمهوری اسلامی، در اوائل انقلاب ۱۳۵۷ در یکی از سخنرانی هایش ادعا کرده بود که طرفدارانش در قنبد هاستند. اگر او، امروز زنده بود با چشم های حیرت زده خود می دید که چگونه این جوانانی که در زیر حاکمیت خفان خونین جمهوری اسلامی، تولد یافته و بزرگ شده اند چه خشم و نفرتی نسبت به این رژیم دارند، بی شک بار دیگر جام زهر را سر می کشید؟! تنها با سرنگونی این رژیم، و برقراری آرامش و عشق و شادی و تامین آزادی های فردی و اجتماعی است که این خشم و نفرت پایان می گیرد.

در حالی که رژیم تدابیر امنیتی شدیدی را به کار می بندد، علی رغم آن جوانان، در اقدامی خودجوش و توده ای بعد از مسابقات به خیابان ها می ریزند و دست به شادی و پایکوبی می زنند. ماموران انتظامی، اطلاعاتی و بسیج، به دستور رهبران ضدآزادی و شادی رژیم، به شیوه وحشیانه ای به این جوانان، یورش می برند؛ آنان را مورد ضرب و شتم قرار می دهند؛ دستگیر می کنند و به بازداشتگاه های مخوف می برند. اما آنان در مقابل حملات بی رحمانه ماموران امنیتی تا دندان مسلح، جسورانه مقاومت می کنند.

جوانان، از هر فرصت تاریخی استفاده می کنند تا موجودیت رژیم را زیر سؤال ببرند. بزرگ ترین و عمده ترین دلیل اعتراض آنان، خفقان خونینی است که رژیم بر علیه اکثریت مردم به کار می گیرد. ۲۳ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، برای اکثریت مردم ایران، چیزی جز سرکوب، کشتار، جنگ، سنگسار، شلاق، زندان، شکنجه، ترور و فقر و بیکاری و تبعیض، ارمغان دیگری نداشته است. بنا به این دلایل جوانان، زنان، کارگران و کلیه انسان های آزادی خواه سال هاست که با اعتراض های اجتماعی خود، نشان می دهند که رژیم جمهوری اسلامی را نمی خواهند. آنان خواهان یک جامعه آزاد و برابر و سکولار هستند. تاکنون هیچ رژیم دیکتاتوری حاکمیت را به راحتی از دست نداده است بلکه تا آخرین لحظه با کشتار و خونریزی سعی دارد اعتراضات بر حق آزادی خواهانه و عدالت جویانه مردم را سرکوب کند. در این میان مردم چاره ای جز مبارزه علیه رژیم تا به دندان مسلح و وحشی ندارند. اعتراض اخیر جوانان نیز، در راستای مبارزه اجتماعی کارگران و زنان و دانشجویان و همه انسان های آزادی خواه، بر علیه رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد.

سردمداران رژیم، به حدی از این حرکت های خودجوش و اجتماعی نوجوانان و جوانان، به هراس افتاده اند که تعادل خود را از دست داده اند و به شکل هیستریک به فحاشی و هذیان گویی می پردازند. در این میان محمد خاتمی، رییس جمهور «خندان» و «اصلاح طلب» و «قهرمان جناح دوم خرداد»، روز اول آبان ۱۳۸۰ (۲۹ اکتبر ۲۰۰۱)، در جمع خبرنگاران، بی شرمانه به رکیک ترین شکلی جوانان معترض را «اوباش و معتاد» نامید، گفت: «... همیشه جامعه، کسانی را دارد که ناراحتی هایی دارند، اوباش گری می کنند و هنجارهای جامعه را می شکنند. می بینید که چه

کسانی دست به استعمال مواد مخدر می زنند و آشوب می کنند. این افراد، چهره جوانان کشور را زشت نشان می دهند باید با این عوامل، به طور جدی و مثل مجرمان برخورد شود. وی دولت، مسئولان و مردم را به ساماندهی این وضعیت فراخواند و از عوامل آشوب خواست چنانچه نگرانی هایی دارند، از طریق قانونی اقدام کنند». (روزنامه کیهان، ۲ آبان ۱۳۸۰)

در حالی که بحث های درون مجلس شورای اسلامی، خلاف ادعای خاتمی را بازگو می کند. میثم سعیدی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، در نطق پیش از دستور گفت: «در همین رابطه براساس گزارش دستگاه اطلاعاتی-امنیتی کشور، ۹۸ درصد افراد دستگیر شده از مردم عادی بوده اند و ۲ درصد مابقی افراد مسئله دار؛ اما آنچه جای تاسف دارد این است که با ۹۸ درصد دستگیرشدگان همان برخوردی می شود که با دو درصد مسئله دار؛ به راستی این چه منطقی است؟... تاسف بارتر این که پس از حوادث اخیر ناگهان دستور جمع آوری آنتن های ماهواره ای منازل مردم صادر می شود... هیچ عقل سلیمی از حرکت های غیرقانونی دفاع نمی کند؛ اما اگر داشتن آنتن های ماهواره ای مسئله غیرقانونی بوده که بوده، چرا قبلا اقدام به جمع آوری آن نشده بود؟ آیا ماهواره ها مسئول حوادث اخیر بوده اند که چنین شتابان عمل می کنیم؟» (خبرگزاری ایسنا، ۹ آبان ۱۳۸۰) بنا به گزارش روزنامه های ایران، در جریان جمع آوری آنتن ها ۷۰ تن بازداشت شدند. بازداشت شدگان، پس از تحویل به مقامات قضایی، با قرار وثیقه یک میلیون تا هفت میلیون تومان، آزاد و یا روانه زندان گردیدند.

سیدعلی خامنه ای رهبر رژیم جمهوری اسلامی، می گوید: «دشمن با بزرگ نمایی برخی حرکات محدود تلاش می کند جوانان مومن و پر نشاط ایران را، بی ایمان نشان دهد اما این اشتباهی بزرگ تر است چرا که امروز هم اگر ملت ایران احساس خطر کند تعداد جوانان فداکاری که برای خدا، نظام اسلامی و منافع ملت سینه سپر می کنند، یقینا بیش تر از دوران دفاع مقدس است. ما جوانان مومن و مخلص را از مقابله با این کج روی ها منع کرده و می کنیم و در غیر این صورت جوانان پرشور ما حساب این افراد معدود را تسویه می کردند». (روزنامه همشهری، ۹ آبان ۱۳۸۰)

رییس مجتمع قضایی ویژه اطفال اعلام کرد: «دادگاه اطفال روز گذشته تعدادی از متهمان را به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و تعدادی را به اعزام به زندان اطفال محکوم کرد و شمار دیگر نیز که بالاتر از هجده سال داشتند، در دادگاه انقلاب اسلامی تهران بازجویی شدند. همچنین تعداد زیادی از دستگیر شدگان صبح دیروز با تصمیم قاضی دادگاه اطفال با سپردن تعهد، تبرئه و آزاد شدند. محاکمه ۱۰۰ نوجوان ۱۳ تا ۱۷ ساله که پس از پایان مسابقات فوتبال تیم ملی دستگیر شده بودند، در دادگاه اطفال آغاز شد. تعدادی از متهمان هر کدام به پرداخت ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان جزای نقدی و پرداخت خسارات محکوم شدند». (روزنامه ایران، ۳ آبان ۱۳۸۰)

حجت الاسلام مبشری، رییس دادگاه انقلاب اسلامی تهران گفت: «در پی حوادث اخیر تعدادی از عناصر اوباش و اخلاص گر بازداشت شدند که عده ای از آن ها چون کم تر از ۱۸ سال سن داشتند جهت رسیدگی های قضایی به مجتمع قضایی اطفال معرفی شده اند اما کسانی که بیش از ۱۸ سال داشته اند جهت رسیدگی در اختیار دادگاه انقلاب قرار گرفته اند». وی افزود: «پنج شعبه از شعبات دادگاه انقلاب تهران جهت رسیدگی به پرونده عناصر اخلاص گر و مزاحمین حقوق اجتماعی مردم اختصاص یافته و قضات به سرعت مشغول تحقیق و تکمیل پرونده ها هستند». رییس دادگاه انقلاب اسلامی افزود: «با اتمام حجتی که مسئولان سیاسی و قضایی کرده اند از این پس با عناصر مخل امنیت و حقوق مردم با شدت برخورد شده و اغماض صورت نخواهد گرفت و بلکه با کسانی که موجبات سلب امنیت شوند به عنوان محارب برخورد می شود». (روزنامه رسالت، ۵ آبان ۱۳۸۰) بنا به گزارش های رسمی در چند حرکت اخیر، بیش از دو هزار نفر دستگیر شده اند که سن آنان بین ۱۲ تا ۲۱ سال بوده است.

روزنامه های رژیم نیز، در رابطه با اعتراض های اخیر جوانان در تهران و شهرهای دیگر، تحلیل های گوناگونی را ارائه دادند. روزنامه کیهان نوشت: «عبارت اوباش را از حجت الاسلام خاتمی وام گرفته ایم». این روزنامه افزود: «مقامات باید به ناتوانی خود اعتراف کنند و امکان دهند که طرفداران حکومت کار را یکسره کنند. روزنامه رسالت نوشت: «اوباشان حتا به برخی مقدسات هم توهین کردند و برای چندمین بار ثابت شده که رفتارهای وحشیانه آنان، با هدایت و تحریک دشمنان انقلاب در آن سوی مرزها صورت می گیرد». این روزنامه از دستگاه های امنیتی رژیم سؤال کرد: «وزارت اطلاعات چه اقدامات اطلاعاتی در خصوص این تجمع های اراذل و اوباش داشته؟...».

خبرگزاری ایرنا، به نقل از یک منبع آگاه اعلام کرد: «در جریان ناآرامی های یک شنبه شب که از لحظاتی پس از اتمام بازی ایران و بحرین شروع شد، به ۳۲ بانک، تعدادی خودرو ناجا و پنج دستگاه خودرو شخصی خسارت وارد شد. به گفته وی، ۲۳ مورد خسارت به اموال عمومی دیگر نظیر باجه های فروش بلیط اتوبوس، تلفن عمومی و تابلوهای راهنمایی و رانندگی وارد شد. وی گفت: شب گذشته در ۵۴ نقطه از شهر تهران، تجمع افراد وجود داشت که در ستارخان و میدان های صنعت، مادر و نبوت این تجمع منجر به درگیری با پلیس شد». (ایسنا، ۳۰ مهر ۱۳۸۰)

اعتراض جوانان، در رسانه های بین المللی نیز انعکاس گسترده ای داشت. برای مثال رادیو «بی بی سی»، در گزارش ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱ خود، اعلام کرد: «پنجشنبه شب هزاران نفر از طرفداران فوتبال در تهران با پلیس ضدشورش درگیر شدند... شماری از آن ها به دادن شعارهای ضددولتی پرداختند و برخی هم بمب های دست ساز کوچکی را منفجر کردند. دست کم در سه منطقه، پلیس ضدشورش و سایر نیروهای امنیتی با باطوم وارد میادین شدند و با اعمال خشونت و کتک زدن بسیاری از مردم، از جمله زنان و خبرنگاران تظاهرکنندگان را متفرق کردند. حداقل در یک منطقه از گاز اشک آور استفاده شد و در شرق تهران ظاهرا تیر هوایی شلیک شد... بسیاری از افراد از جمله زنان و روزنامه نگاران که با بی رحمی توسط ماموران امنیتی کتک خوردند، در اعتراضات شرکت نداشتند و فقط در محل حضور یافته بودند».

خبرگزاری ایسنا، در تاریخ اول نوامبر ۲۰۰۱، گزارش کرد: «پس از پیروزی تیم فوتبال امارات در چند نقطه تهران، جمعا حدود ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر به منظور ابراز شادمانی اجتماع نمودند... تعداد کم تری نیز در قالب شعارهای کوچک و بزرگ، کوبیدن بر روی خودروهای عبوری یا کیوسک های تلفن، شادی های خود را بروز داده اند. تعداد بسیار کم تری نیز آن هم صرفا در دو نقطه میدان نور، میدان نارمک اقدام به طرح شعارهای سیاسی نموده اند که این تعداد اندک نیز از سوی جوانان مورد استقبال واقع نشده اند... در چند مورد ضرب و شتم بخش های کوچکی از جمعیت توسط نیروهای انتظامی مشاهده شده است... حضور لباس شخصی ها در مواردی کم رنگ و در مواردی بیش تر محسوس بوده است... مدیر کل سیاسی استان تهران، در پاسخ به این پرسخ که عوامل نیروهای انتظامی حاضر در میدان نور تهران، علاوه بر استفاده از گاز اشک آور، به وسیله باتوم به ضرب و شتم افراد پرداخته اند، گفت: «البته جمعیت حاضر در این میدان بسیار زیاد بوده و استفاده از مواد دست ساز انفجاری، حجم بالایی داشته است و امکان داشت که تداوم آن به مردم آسیب برساند در نتیجه نیروی انتظامی سعی کرد که مردم را متفرق کند ولی باز هم درگیری همچون گذشته در محل یاد شده رخ نداده است».

حرکت اعتراضی جوانان، رژیم را آنچنان به وحشت انداخته است که انواع و اقسام ارگان هایش بسیج شده اند تا چگونگی مقابله و سرکوب جنبش جوانان را مورد بررسی قرار دهند. از جمله روز گذشته ۳۰ اکتبر ۲۰۰۱، چند ساعت قبل از آغاز مسابقه فوتبال بین ایران و امارات متحده عربی در دویبی، مجلس شورای اسلامی، برای بررسی حوادث اخیر جلسه غیرعلنی با شرکت مقامات مسئول حکومت تشکیل داد. حجت الاسلام علی یونسی وزیر اطلاعات رژیم، در پایان این جلسه در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا گفت: «آن گونه که ضداقلاب شایعه کرده، ناآرامی های

اخیر، آشوب های سیاسی نبوده، بلکه شمار آشوب طلبان بسیار کم و حدود دو درصد و ۹۸ درصد بقیه، افراد شریف و محترم و جوانان پاک‌پاکی بوده اند که با انگیزه های قابل درک برای شادی کردن به خیابان آماده بودند». وزیر اطلاعات، شعارهای شدیداللحنی را که جوانان و نوجوانان علیه سران ارشد حکومت و علیه شخص آیت الله خامنه ای سر داده و نیز از حجت الاسلام خاتمی ابراز یاس و دلسردی کرده بودند، کم اهمیت دانست و گفت: «عده ای قصد دارند مسئله را بزرگ‌نمایی کنند». وزیر اطلاعات، از رییس جمهوری حجت‌الاسلام خاتمی که جوانان تظاهر کننده را «اوباش و معتادان» لقب داده بود و گفته بود باید آن‌ها را سرکوب کرد، حمایت نمود و گفت: «خاتمی، رییس جمهور محبوب ملی است. ولی عناصری که شیشه می شکنند و آتش می زنند، ضدخاتمی هستند». یونسی اضافه کرد: «آن‌ها حتا علیه خاتمی شعار داده‌اند و طبیعی است که آقای خاتمی که هم رییس جمهور و هم مسئول امنیت ملی است، از شرارت آن‌ها ناراحت شود». شعار جوانان چنین بود: «توپ، تانک، بسیجی، خاتمی دیگر اثر ندارد».

اگر مجموعه این اخبار و گزارش‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد، سئوالات متعددی مطرح می‌شود. به عنوان مثال چه دلیلی وجود دارد که جوانان در سطح اجتماعی با آگاهی از این که ده‌ها خطر، نظیر درگیری با ماموران امنیتی، احتمال زخمی، دستگیری، زندان، شکنجه و حتا کشته شدن وجود دارد اما باز هم با شهامت به خیابان‌ها می‌ریزند و برایشان فرقی نمی‌کند که تیم ایران، برنده یا بازنده باشد؟! چرا همه سردمداران رژیم، از رییس جمهور تا رهبر، از مجلس تا وزارت اطلاعات، جوانان معترض را «اوباش و معتاد» می‌نامند و به ارگان‌های امنیتی شان دستور می‌دهند که معترضین را شدیداً سرکوب نمایند؟ شخصیت‌ها و جریاناتی که به خاتمی، «قهرمان اصلاحات» لقب داده بودند، بعد از این وقایع چه توجیه جدیدی برای مماشات خود، با این رژیم و جناح‌هایش پیدا خواهند کرد؟ جواب این سئوالات چندان مشکل نیست. چرا که اولاً، تاریخ مصرف رژیم جمهوری اسلامی، به سر رسیده است. ثانیاً، اکثریت مردم ایران، به ویژه کارگران و زنان و جوانان و مردم محروم و ستم‌دیده با سلسله اعتراض‌های خود نشان داده‌اند که رژیم جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. ثالثاً، مقامات رژیم هم به خوبی می‌دانند که اگر دست از سرکوب و خفقان و کشتار بردارند، کاخ‌های حاکمیت‌شان یکی پس از دیگری فرو خواهند ریخت. به همین دلیل واضح است که هر دو جناح رژیم، کم‌ترین اختلافی در سرکوب مبارزه جوانان و کارگران و زنان ندارند.

مسلم است که اعتراضات اجتماعی، به معنی اعتراض نسبت به وضع موجود و بر علیه نابرابری‌های اقتصادی، تبعیض و سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی است؛ در این میان جوانان به مثابه بخشی از نیروی اجتماعی جوان جامعه ایران، رژیم جمهوری اسلامی را به چالش طلبیده‌اند و به آشکارترین وجهی با صدای بلند اعلام می‌کنند: رژیم جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. به دلیل این که این رژیم، دشمن درجه یک آزادی‌های فردی و اجتماعی و رفاه و شادی است. جوانان خواهان جامعه نوینی هستند که در آن، از آزادی، برابری، رفاه و شادی برخوردار باشند.

لازم به تاکید است که جنبش اعتراضی جوانان، حرکتی خودجوش و مستقل است و به هیچ جریان سیاسی وابستگی ندارد. این که در خارج کشور، جریاناتی نظیر مشروط خواهان و سلطنت طلبان، هیاهو راه انداخته‌اند که به نوعی حرکت اخیر جوانان را به خود منتسب کنند قبل از هر مسئله‌ای ورشکستگی سیاسی شان را به نمایش می‌گذارند. از آنجایی که فعالیت احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون در ایران ممنوع است، در نتیجه متأسفانه جوانان، آشنایی و شناخت چندان از احزاب و سازمان‌های خارج کشور ندارند. اما مردم ایران، دیروز رژیم سلطنتی را سرنگون کردند؛ امروز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را در دستور مبارزاتشان دارند تا به یک جامعه سکولار، عادلانه و آزاد و برابر برسند. بنابراین روشن است که اکثریت مردم ایران، نه شاه می‌خواهند و نه شیخ. نظامی را می‌خواهند که در آن هر کس آزادانه و آگاهانه به اندازه علاقه و توانش در سرنوشت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دخالت مستقیم نماید. امروز جامعه ایران، بسیار حساس و پرالتهاب است. مردم این کشور، بیش از هر زمان دیگری در

انتظار تحولات تازه ای هستند.

شکی نیست که جنبش جوانان، در جهت رشد و گسترش جنبش طبقاتی کارگران و مردم آزادی خواه، برای تغییرات اساسی در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حرکت می‌کند. این جنبش با همه اشکالات و ضعف‌هایش باید مورد پشتیبانی و حمایت گسترده همه جریان‌ها و انسان‌های مساوات طلب و آزادی خواه قرار گیرد. بنابراین مبارزه جاری تا تعیین تکلیف نهایی با نظم موجود و کل رژیم بورژوا اسلامی ادامه خواهد یافت. رژیم جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک رژیم دیکتاتور و وحشی و سرکوبگر می‌تواند جنبش‌های آزادی خواهانه مردم معترض را برای دوره کوتاهی سرکوب کند اما نمی‌تواند مانع رشد و گسترش و پیروزی مبارزه مردم حق طلب گردد! مبارزه برای آزادی و برابری و دفاع از حق و حرمت انسانی در هر شرایطی راه پیشروی خود را پیدا می‌کند. بی تردید در این مبارزه نقش جوانان ارزشمند و قابل تقدیر است.

بهرام رحمانی

اول نوامبر ۲۰۰۱